

## اصلاح طلبان را خودی نمی‌دانند



داود سلیمانی

اصلاح طلبی و اصلاحات واقعیتی بزرگ از جامعه ایرانی است که برآمده از جامعه و فرآیند سیاسی است. قشر عظیمی از جامعه به دنبال اصلاحات هستند و این امر را نمی‌توان منکر شد. برخوردها باید با این واقعیت جامعه به شکلی باشد که کاندیدای اصلاح طلب بتواند مانند کاندیدای جناح اصولگرا فعالیت کند. در آینده با قدرت‌گیری اصلاح طلبان با توجه به تجربه قبلی نباید برخوردها به شکل قبل جناحی و سیاسی باشد.

ساختار قدرت و نوع تعامل آن با اصلاح طلبان باید به نوعی باشد که فرصت‌های برابر برای هر دو جناح فراهم شود. ساختار قدرت باید به نوعی تبدیل شود که حاکمیتی ایجاد شود که اصلاح طلبان را جدا از خود نداند و با تمام گروه‌ها نوع تعامل و برخورد یکسان باشد. این دغدغه اصلاح طلبان که ممکن است با کارشنکی‌ها و در راه خودشان با مشکلات زیادی روبه‌رو شوند، یک امر انتزاعی و وهمی نیست. با توجه به پیشینه‌ی که از تخریب‌ها و کارشنکی‌ها وجود دارد این نگرانی، نگرانی‌های حقیقی است که بزرگان اصلاحات دغدغه آن را دارند. زمانی که حماسه دوم خرداد رخ داد و دولت اصلاحات بر سر کار آمد، چه در دور اول و چه در دور دوم این دولت که با اقبال عمومی مردم روبه‌رو شد، ما با کارشنکی‌ها و مانع‌تراشی‌ها روبه‌رو بودیم. به جای آنکه با دولت همکاری کنند و در راه رسیدن به کارها و هدف‌های دولت او را همراهی بکنند، در راه او کارشنکی کردند و نگذاشتند او به بعضی از هدف‌هایی که از پیش مشخص کرده بود، برسد. آنها به جای تبلیغات به نفع دولت، بر ضد او تبلیغ کردند و کارهای خوب دولت را نیز به بیان نیاوردند. این جریان تندرو راستی مانع از رسیدن دولت به هدف‌هایش می‌شد و گاهی که دولت می‌توانست با تمام سختی‌ها کارهای خود را پیش ببرد، از بیان این فرآیندهای مثبت امتناع می‌کردند. اگر قرار باشد همان برخوردها انجام شود و در برخوردهای با دولت اصلاحات و اصلاح طلبان تجدید نظر نشود، باید در انتخابات تجدید نظر کلی کرد. همیشه ما با سلامت برخورد کردیم و برخورد می‌کنیم. اصلاح طلبی که نباید و نمی‌خواهد خدای نکرده خود را به جامعه و حاکمیت تحمیل کند. اصلاح طلبان باید با برخوردهای ناپسند به طور طبیعی در چارچوب تعریف شده خود و قانون اساسی حرکت کنند. برخوردهای اصلاح طلبان همیشه برآمده از دل قانون و در چارچوب قانون با سلامت بوده است اما اینکه این برخوردها تضمین‌کننده سلامت سیاسی در برخورد با اصلاح طلبان است، باید اقرار کنیم نمی‌دانم! اصلاح طلبان همیشه خود را در چارچوب قانون تعریف کرده‌اند اما تا زمانی که عده‌ی اصلاح طلبان را وصله‌ی خارج از حاکمیت و آنها را بدعتی خارج از قانون اساسی می‌دانند، نمی‌توان به برخوردها اطمینان داشت. البته باید این را بدانیم که در انتخابات آینده احتمال این برخوردها از طرف همه طیف‌های راست بعید است چون در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده راست و چپ معمول مطرح نیست. باید همه به سمتی حرکت کنیم که کشور را از وضعیت نامطلوب اقتصادی، سیاسی داخلی، بین‌المللی، فرهنگی و اجتماعی نجات دهیم. در انتخابات سال آینده باید به فکر ارتقای کشور از وضعیت نامطلوب فعلی باشیم. این نکته از تمام موارد مهم‌تر است. باید به فکر آینده کشور باشیم.

## ضرورت گسترش نهادهای مدنی



علیرضا رجایی

طی سه دهه‌ی که از انقلاب اسلامی ایران گذشته است مجموعه‌ی از نهادهای قدرتمند شکل گرفته که بعضاً نیز با چهره‌های ثابت شکل گرفته است. انتخابات مختلف در صورت و شکل این طیف‌تغییری ایجاد نمی‌کند و تأثیری بر جایگاه آنها ندارد. این قدرتی که این طیف داشته و دارند رفته‌رفته باعث شده است تصوری از حقانیت بین خودشان شکل بگیرد، این حقانیت که وابسته به رای مردم و نمایندگان آنها نیز نیست باعث شده است آنها تعیین تکلیف و خط‌دهی به جامعه و خطوط مختلف جامعه را وظیفه خود بدانند. استفاده از قدرت نفوذ این طیف بعد از دوم خرداد و با روی کار آمدن دولت آقای خاتمی و احساس خطر برای این بخش بیشتر شد. آنها به این استنباط رسیدند که دولت آقای خاتمی که در جمهوری اسلامی شکل گرفته است با منویات و خط‌دهی‌های آنها در تعارض است و فشار را از نیمه دوم سال ۱۳۷۸ در مقابل برنامه‌های آقای خاتمی و هواداران آنها ایجاد کردند. این مخالفت‌ها و کارشنکی‌ها تنها به هواداران آقای خاتمی محدود نشد رفته‌رفته حتی بر راه منتقدان ایشان و کسانی که تنها در هدف حرکت به سمت دموکراسی و دموکراتیک شدن جامعه مشترک بودند نیز مانع‌تراشی و آنها را با چالش‌های گوناگون روبه‌رو کردند. این شرایط باعث شد

آقای خاتمی از کارشنکی‌های مختلف بر راه دولت و پارلمان آن زمان «مجلس ششم» سخن بگویند و این کارشنکی‌ها را به جامعه معرفی کنند. نبود برخورد مناسب و مقاومت در راه این کارشنکی‌ها و خرابکاری‌های یکی از نقاطی است که انتقادهای فراوانی به جبهه اصلاحات وارد کرده است. اصلاح طلبانی که امروز چشم به صندوق‌های رای سپرده‌اند و تنها به فکر انتخابات هستند نیز نمی‌توانند کاری کنند چرا که گفتم این طیف تندرو با هیچ انتخاباتی و دولت و مجلس تغییری در کارشان ایجاد نمی‌کنند و خللی حس نمی‌کنند. این بخش در برابر انتخابات خشن هستند و هیچ گروهی نمی‌تواند با انتخابات به این طیف خللی وارد کند. نقطه اساسی که اصلاح طلبان باید به آن توجه کنند و آن را سرلوحه کار خود قرار دهند این مساله است که آنها بدون افزایش دموکراسی در جامعه و دموکراتیک کردن فضا به طور کلی نمی‌توانند کاری کنند و هر حرکت دیگری برای محدود کردن این بخش بدون نتیجه باقی خواهد ماند. اصلاح طلبان باید بر حوزه دموکراسی‌خواهی تأکید بیشتری داشته باشند تا بر حوزه صندوق‌های رای. شاید این دو را بتوان لازم و ملزوم هم در شرایطی دانست اما این تفکر که بتوان با به دست آوردن قدرت اجرایی یا مجلس قدرت این بخش و این طیف را محدود کرد تفکری بی‌اساس است و دور از واقعیت.

به نظر من همان بحثی که آقای خاتمی مطرح کردند یعنی گسترش نهادهای مدنی، NGOها و تضعیف نه به معنای خارج کردن قدرت از دست دولت بلکه به معنای از بین بردن قدرت زیادی و غیرلازم دولت و کوچک کردن آن به معنایی بهترین راهی است که می‌توان برای مقابله با این بخش به کار

## نگاه

برد. آقای خاتمی می‌دانستند این بخش و طیف از هیچ چیزی تأثیر نمی‌گیرند جز تقویت نهادهای مدنی و بخش‌های غیرحکومتی کشور.

عده‌ی ممکن است با خواندن این صحبت‌ها به یاد نظریه تحریمی‌ها و آتانی که سیاست سکوت و نبودن در انتخابات را در پیش گرفته‌اند، بیفتند اما باید گفت گسترش نهادهای مدنی و NGOها از زمان آقای خاتمی شروع شد که البته در این دوران دچار یک رکود و شاید وارد یک مردگی شده باشد اما باز می‌توان و باید برای تقویت این بخش مهم جامعه تلاش کرد. ما باید از گسترش جامعه مدنی حمایت و مساله تقویت جامعه مدنی را پیگیری کنیم.

همان‌طور که در بحث اشاره کردم برای از بین بردن یا به حداقل رساندن نگاه‌اشندها باید مقاومت کرد و به گسترش دموکراسی و دموکراتیک کردن جامعه پرداخت؛ کاری که باید اصلاح طلبان انجام دهند، بنا بر حساسیت‌ها و موانعی که بر سر راه آنها وجود دارد به شکل متعادل تری و در حوزه‌هایی که حساسیت کمتری بر آنها وجود دارد به گسترش دموکراسی مشغول شوند. اصلاح طلبان نباید فعالیت‌هایی انجام دهند که حساسیت‌زا هستند و به اصل پروژه لطمه می‌زنند. طیف تحول‌خواه باید بیشتر به ساختارهای اقتصادی و فرهنگی به شکلی آرام‌تر و بدون حساسیت‌زایی، توجه و تلاش کنند در فرصت‌هایی که در اختیار خواهند داشت بیشترین بهره را ببرند. تنها راه اصلاح طلبان ایجاد اصلاحات برگشت‌ناپذیر است؛ اصلاحاتی که با جابه‌جایی ادواری قدرت در ایران مشکلی پیدا نکند و به آن لطمه‌ی وارد نشود.

## پیش‌بینی

خواهد شد اما از فحواهای سخنان وی آشکار بود خاتمی درصدد زمینه‌سازی برای کنار ماندن از صحنه و تشویق میرحسین به حضور در انتخابات است. پیش‌بینی می‌شود گروه‌های حامی خاتمی نیز در روزهای آینده به میرحسین موسوی روی خوش نشان دهند و از حضور وی در عرصه انتخابات استقبال کنند. استدلال بسیاری از حامیان خاتمی تاکنون این بوده که وی تنها گزینه‌ی بی‌است که از بخت پیروزی در مقابل احمدی‌نژاد برخوردار است با این حال آنها میرحسین موسوی را نیز به لحاظ بخت بالایی می‌دانند. هم‌طراز با خاتمی ارزیابی می‌کنند.

## فرضیات روز

عده‌ی از اصولگرایان گفته‌اند اگر خاتمی بیاید ما پشت سر احمدی‌نژاد می‌ایستیم، پس به این ترتیب با آمدن خاتمی قطب آنها هم متحد می‌شود و شرایط دوقطبی و انتخابات رقابتی شکل می‌گیرد. اما اگر خاتمی نیاید اردوگاه اصولگرایان هم به این سمت می‌رود که کاندیداهایش را متنوع کند. پس نیامدن خاتمی را هم با توجه به توقف یک جریان، ثمربخش می‌دانیم. فرضیه اول: میرلوحی با علم به اینکه احتمال حضور خاتمی در انتخابات کم‌رنگ شده می‌کوشد برای شرایط بعد از عدم کاندیداتوری وی زمینه‌سازی کند. او با ابراز این نظر که آمدن یا نیامدن خاتمی برای جریان اصلاح طلبی ثمربخش است، قصد دارد توان بالایی اصلاح طلبان برای پیروزی را به رخ رقیب بکشد. فرضیه دوم: اصلاح طلبان نسبت به شکل‌گیری دوقطبی انتخاباتی نگران هستند. آنها مایل نیستند وضعیتی پیش بیاید که همه محافظه‌کاران پشت سر احمدی‌نژاد متحد شوند بنابراین تصمیم گرفته‌اند با طرح کاندیدای دیگری جز خاتمی اسباب تفرق در جریان محافظه کاری را فراهم سازند.

پیش‌بینی می‌شود عصر امروز جمعیت‌انبارگران انقلاب اسلامی بیانه‌ی بی‌را در اختیار رسانه‌ها قرار دهد که در آن بر اتحاد همه محافظه‌کاران حول کاندیدایی واحد در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده تأکید شده باشد. اینبارگران انقلاب اسلامی که از گروه‌های شناخته شده محافظه‌کار است امروز در نشست فصلی خود قصد بررسی مسائل داخلی را دارند و به نظر می‌رسد موضوع انتخابات ریاست جمهوری یکی از موضوع‌های اصلی نشست آنان باشد. اینبارگران از تشکل‌های حامی احمدی‌نژاد است و بنابراین به اندازه

**محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهوری ایران):** همین واقعیت تلخ و دردناک غزه را ملاحظه کنید. بعضی رسانه‌ها به کلی سکوت کردند و بعضی مردم غزه را به خاطر دفاع از خود محکوم کردند. تجاوز صهیونیست‌ها را دفاع از خود و دفاع از مردم غزه را اقدام تروریستی نامیدند و همین‌ها حمله آمریکا به عراق و صهیونیست‌ها به لبنان را توسعه دموکراسی نامیدند و بعضی از سران رژیم صهیونیستی را جایزه صلح دادند و رسانه‌های آنان نیز همین را تبلیغ کردند. امروز اطلاع‌رسانی صحیح، بیان واقعیت‌ها و روشن کردن ذهن‌ها و مبارزه با دروغ و زبردگی بعضی رسانه‌ها یک مجاهدت و یک وظیفه انسانی است.

**فرضیه اول:** رئیس‌جمهور درصدد زیر سوال بردن برخی تشریفات منتقد داخلی است و می‌خواهد آنها را به دفاع از اسرائیل متهم کند. وزارت ارشاد دولت احمدی‌نژاد دو هفته پیش روزنامه حزب کارگزاران را به اتهام مشابهی توقیف کرد و سخنان رئیس‌جمهور تأییدی است بر عملکرد وزارت ارشاد

در توقیف روزنامه کارگزاران. فرضیه دوم: نوک پیکان انتقاد احمدی‌نژاد اصولاً متوجه رسانه‌های داخلی نیست. او در پی محکوم کردن رسانه‌های خارجی است و آنها را تحت تأثیر نهادهای اطلاعاتی و سرویس‌های امنیتی می‌داند. هم‌فکران احمدی‌نژاد عقیده دارند اغلب رسانه‌های خارجی از طریق لابی‌های سیاسی و امنیتی تغذیه می‌شوند و اظهارات کنونی احمدی‌نژاد نیز تأییدی بر این عقیده است.

**محمود میرلوحی (معاون حقوقی و پارلمانی وزیر کشور دولت خاتمی):** به نظر من آقای خاتمی با تلاش‌های خود در ماه‌های اخیر کاری کرده که انتخابات ۸۸ را مدیریت می‌کند و آمدن و نیامدن ایشان بازتاب خواهد داشت. اردوگاه اصلاح طلبان مدتی است برای آمدن آقای خاتمی تلاش کرده و امید بسته است اگر ایشان بیاید رای‌های خاموش فعال و مشارکت بیشتر شود و افرادی که کمتر در انتخابات‌های اخیر شرکت کرده‌اند به صحنه بیایند و نهایتاً با شکل‌گیری یک انتخابات دوقطبی اصلاح طلبان هم با امید و نشاط فراوان حضور پیدا کنند.